



اصول رفتار فصاحت اور اسناد بین المللی حقوق بشر

گردآوری: مہرِ خوش رو

www.ketab.ir



کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

خوشروی، مهدی، ۱۳۶۴ -	بر شناسه
اصول رفتار قضایی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر / گردآوری مهدی خوشروی.	عنوان و نام پدیدآور
تبریز: ایشیق □، ۱۳۹۶.	مشخصات نشر
۱۱۱ ص.	مشخصات ظاهری
978-600-5447-36-1	شابک
فنی	وضعیت فهرست نویسی
کتابنامه: ص. ۱۰۵ - ۱۰۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.	پیداشت
قاضیان -- اخلاق حرفه‌ای	موضوع
Judicial ethics	موضوع
حقوق بین‌الملل و حقوق بشر	موضوع
International law and human rights	موضوع
۱۳۹۶ □□ الف/خ ۹۲۱۴۶ K	زده‌بندی گره
□ ۳۴۷/۰۱۴	زده‌بندی دیو
□ ۴۷۴۷۳۶۶	شماره کتابخانه ملی

نام کتاب: اصول رفتار قضایی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر

گردآوری: مهدی خوشروی

ناشر: نشر ایشیق (۰۹۱۲۱۴۷۳۰۸۷)

<https://t.me/ishighketab>

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶ - تبریز

تیراژ: ۵۰۰ جلد

قطع: ۱۰۷ ص وزیری

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-5447-36-1



نشر ایشیق

www.ishigh.ir

0912 147 3087

041 3660 7110

اعلامیه جهانی حقوق بشر.....

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.....

تفسیر کلی شماره ۱۳ : ماده ۱۴ از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.....

اصول اساسی درباره استقلال قوه قضاییه.....

اصول بتگلور در خصوص رفتار قضایی.....

اصول مربوط به نهاد های ملی حقوق بشر (اصول پاریس).....

کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی.....

اصول اساسی و رهنمودهای مربوط به حق دادخواهی.....

اصول اساسی درباره نقش حقوق‌دانان.....

اصول راهنما درباره نقش دادستان‌ها.....

اعلامیه اصول بنادین اجراء عدالت در حق قربانیان جرم و قربانیان سوء استفاده از قدرت.....

قواعد حداقل استاندارد معیار زمان عالی در باب دادرسی نوجوانان.....

اصول آیین دادرسی مدنی فائلی.....

پیمان‌نامه حقوق کودک.....

حق دسترسی به اطلاعات طی دادرسی ها: کیفری انگلستان و ولز.....

اعلامیه حقوق بشر اسلامی.....

اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری.....

متون خارجی.....

منابع

اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عنوان حداقل اهداف متعالی و مشترک جامعه جهانی، درصدد آن است که قواعدی پایه‌ریزی نماید تا عدالت، برابری و آزادی هر انسان فراتر از ویژگی‌های شخصی او حفظ شود. دادرسی و دادخواهی بعنوان یک شئون اجتماعی برای احقاق حق و برپایی عدل در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد و طبق طبقه‌بندی نسل‌های حقوق بشر، ذیل نسل اول یعنی حقوق مدنی و سیاسی تعریف می‌شود. گذشته از اشارات اعلامیه جهانی حقوق بشر به ضمانت‌های قضایی شاید بیشترین تأکید بر تضمین‌های دادرسی عادلانه را در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌توان یافت. در دیگر اسناد بین‌المللی نیز ابعادی مختلف از اصول رفتار قضایی مطرح شده است که از آن جمله می‌توان به «اعلامیه وین و برنامه عملی کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳»، «اصول اساسی درباره استقلال قوه قضاییه ۱۹۸۵»، «اصول اساسی درباره نقش حقوق دان ۱۹۹۱»، «اصول پاریس ۱۹۹۳»، «کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی ۱۹۵۰ (اعلامیه اروپایی حقوق بشر)»، «اعلامیه آمریکایی حقوق بشر ۱۹۴۸»، «اعلامیه آفریقایی حقوق بشر و مردان ۱۹۶۱»، «اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰»، «اصول آیین دادرسی مدنی فراملی ۲۰۰۴» و ... در همه اسناد مذکور از بایسته‌های عدالت قضایی و تضمین‌های دادرسی عادلانه با موضوعاتی مانند دادرسی بی‌طرف و استقلال قضایی، دادرسی معاضدتی، دادرسی بلافاصله، رسیدگی علنی، حق انتخاب وکیل، آزادی دفاع، مترجم رایگان و ... یاد شده است.

در هر حال رابطه حقوق بشر و عدالت در اسناد بین‌المللی همچنان تنگاتنگ بنظر میرسد که می‌توان از این دیدگاه هریک را با دیگری تعریف نمود. متن آغاز بزرگداشت شصتمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر (۲۰۰۷)، وعده اعلامیه جهانی را، «حیثیت (کرامت) و عدالت برای همه» تعریف می‌کند.^۱

^۱ قسمت‌هایی از متن بزرگداشت آغاز شصتمین سالگرد اعلامیه حقوق بشر: «اعلامیه جهانی حقوق بشر سندی زنده است که نه فقط در زمان‌های مناقشه و در جوامعی که از سرکوب رنج می‌برند مهم است بلکه برای برپایی عدالتی اجتماعی و دستیابی به شرافت انسانی در زمان‌های صلح در دموکراسی‌های تثبیت‌شده نیز اهمیت دارد. عدم تبعیض، برابری و بی‌طرفی - یعنی اجزای اصول اساسی عدالت - شالوده اعلامیه جهانی حقوق بشر را شکل می‌دهند صرف نظر از محلی که زندگی می‌کنید مقدار پولی که دارید پیرو چه دینی یا صاحب چه دیدگاه‌های سیاسی هستید کلیه حقوق بشر ذکر شده در اعلامیه همه جا و همیشه شامل حال شما می‌شود... اصول اساسی حقوق بشر که نخست در اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام شد مانند همگانیت (عمومیت)، وابستگی متقابل و تفکیک‌ناپذیری، برابری و عدم تبعیض برای دستیابی به عدالت حیاتی هستند... این اعلامیه همچنان مایه الهام همه ما در برخورد و رفع بی‌عدالتی‌ها در مواقع مناقشات، در جوامع گرفتار سرکوب و خفقان و در تلاش ما بسوی تحقق برخورداری همگان از حقوق بشر است.»

حقوق بشر بعنوان یکی از پایه های اصلی و کانون اصلی فعالیت های سازمان ملل متحد سعی بر این دارد که به اجماع جهانی برای اجرای عدالت دست پیدا کند.^۱ از این جاست که تقابل بعضی از کشورها با رویه های حقوق بشر سازمان ملل شروع می شود. آیا ممکن است کشوری سازمان ملل را برسمیت بشناسد ولی رویه های حقوق بشر را نپذیرد؟ این پارادوکس قابل حل نیست. دولت ها باید درک کنند که روابط آنها با اتباعشان در زیر ذره بین افکار جهانی است آنها دیگر آزاد نیستند که با مردمانشان هر گونه که خواستند رفتار نموده و به جایی و کسی پاسخگو نباشند.^۲

عدالت حقوق بشری، مبنایش را از قوانین داخلی نمی گیرد بلکه می خواهد بگوید باید قوانین داخلی منطبق با حفظ کرامت انسان ها باشد باید قوانین اصلاح گردد تا انسان ها به ذات انسان بودن محترم شمرده شوند. هر قدر قوانین یک کشور و نتیجه عملی آن به برابری، آزادی، بیطرفی و عدم تبعیض نزدیک تر باشد به همان اندازه عدالت رسیده ایم. بهتر است کشورها از نگاه منفی و اتهامی به حقوق بشر پرهیز نموده این حقوق را در قوانین عمومی کاملاً برسمیت بشناسند و از بکار بردن واژه حقوق بشر در قوانینشان استنکاف نورزند.

عدالت قضایی و حق برخورداری از دادرسی عادلانه یکی از ارکان حقوق بشر محسوب می شود پس طبق اصول بنیادین رفتار قضایی، تمام افراد جامعه بشری و شهروندی از هر رنگ و نژاد و مذهب، بتوانند بدون هیچ دغدغه ای به دادگاههای صادره ملی و بین المللی رجوع نمایند. هر شهروند باید برای رسیدن به دادخواست های مشروع و احقاق حق خود، یک فرآیند دادرسی کاملاً عادلانه بهره مند گردد. دسترسی با آزادی کامل، ساده و آسان به دادگستری، حق بشری یک انسان است.

با این وجود متأسفانه باید گفت علیرغم تلاش های سازمان ها، رسانه ها، سازمان های بین المللی و مدافعان حقوق بشر هنوز با آرمان های جهانی حقوق بشر و عدالت فاصله زیادی داریم.^۳

^۱ - «کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد در سخنانی که به مناسبت آخرین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در قرن بیستم گفت تأکید کرد ... تا وقتی من دبیرکل هستم سازمان ملل نهادی خواهد بود که حقوق بشر را همواره در مرکز فعالیت های خود قرار خواهد داد. هیچ دولتی حق نخواهد داشت برای نقض حقوق و آزادی های اساسی ملت خویش پشت پرده حاکمیت ملی مخفی نماید» (مؤید ۴۰۷، ۱۳۸۱)

^۲ در بعضی از اتحادیه ها نیز رویه های حقوق بشر اهمیت خاص خود را دارد به عنوان نمونه دادگاه اروپایی حقوق بشر مصداق نسبتاً موافقی از این گونه فعالیت هاست

^۳ - خانم رایسون، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد به مناسبت پنجاهمین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین می گوید که «در این پنجاهمین سالگرد موردی برای جشن گرفتن، تریک گفتن و خوشحالی کردن وجود ندارد ...

با دیدگاهی عمیق تر باید گفت که این فاصله بنوعی ریشه در فاصله های طبقاتی جوامع دارد چرا که با توجه به مقدمه میناق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، فقر و واهمه شرایط استفاده از حقوق بشر و بالتبع حقوقی مانند دادرسی عادلانه را از بین خواهد برد.^۱ تا زمانی که حاکمیت های سیاسی در تمامیت خواهی و استبداد یکه تازی می کنند و امتیازهای عمومی را بین طبقات خاصی از جامعه پخش می نمایند سخن از حقوق بشر و عدالت به عرصه عمل نخواهد رسید. ارکان جوامع اسیر در دیکتاتوری یعنی صاحبان قدرت و ثروت، قوانین را به نفع خود وضع و یا تفسیر خواهند نمود و از اجرای آرمان های ارزش انسانی جلوگیری می نمایند.^۲ با این وضعیت فقرایی که بغیر از فکر لباس گرم و نان شب کار دیگری ندارند و هنوز در ابتدایی ترین مسائل زندگی مانده اند چگونه فرصت و جرات خواهند داشت حقوق بشری خود مانند تضمین های دادرسی عادلانه را مطالبه کنند؟!

در نتیجه تا مانع اجاری حقوق بشر یعنی فقر فرهنگی و مادی ریشه کن نشود و زمینه های واهمه و ترس اصلاح نگردد در جامعه طبقاتی و منطبق با اصول تمامیت خواهی، دادرسی حتی با وجود وضع تمام تسهیلات اداری و قانونی، عا لای باشد است.

دادرسی قوری و عادلانه و دادخواست بر واهمه بعنوان حداقل های اصول مبتنی بر حقوق بشر گذشته از اختلاف نظرها باید در تصویب و اجرای قانین مهم و پرکاربرد آیین دادرسی جلوه ای تمام و کمال داشته باشد چرا که تجسم حقیقت عدلی و عدالت اینست نه صورت می پذیرد. اصول دادرسی در ایجاد امنیت قضایی و فرونشاندن عطش انسانی نسبت به دستیابی به عا لای حائز آثار فراوانی می باشد که در طی تحقیق به ویژگی ها و ابعاد مختلف آن می پردازیم. بقول حقوق دان معاصر، رونالد دورکین « بنظر می آید همه این امر را پذیرفته باشند که شهروندان حق های انکار ناپذیری در مقابل دولت دارند. حقوقدانان و سیاستمداران ما احساس غرور می کنند از این که نظام حقوقی ما (فرانسه) بعنوان مثال برای فرد حق آزادی بیان، حق برابری و حق برخورداری از دادرسی عادلانه را به رسمیت شناخته است. » (ماورئ، ۱۳۸۳، ۵۴۹) و دوباره

صدها میلیون نفر در فقر شدید زندگی میکنند و از بدی تغذیه، بیماری و فقدان امید به زندگی رنج می برند... میلیون ها کودک به خاطر نداشتن آب سالم و یا ابتلای به بیماری هایی که قابل پیشگیری هستند می میرند. (موحد ۱۳۸۱، ۴۱۵)

^۱ در مقدمه میناق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاکید گردیده « بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد و زهایی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می شود که شرایط تمنع هرکس از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و همچنان از حقوق مدنی و سیاسی او ایجاد شود.

^۲ به گزارش موسسه بین المللی اکسفام در سال ۲۰۱۴ « ثروتمندان و نخبگان جهان، قوانین را به نفع خود تدوین می کنند و با دامن زدن به بی عدالتی در سراسر جهان، دموکراسی را مورد تهدید قرار می دهند... عدم مساوات مذهبهاست از کنترل خارج شده و ۸۵ فرد ثروتمند جهان، ثروت نیمی از جمعیت دنیا را تصاحب کرده اند. » (منبع: پایگاه خبری شفقنا)

تاکید می‌نمایم و بارها باید گفت که تغییر و اصلاح قوانین، وضع ضمانت اجراها و نظارت مراجع مستقل برای به رسمیت شناختن عدالت قضایی کافی نخواهد بود و باید فراتر از اینها به این نکته توجه داشت تا زمانی که طبق تاکید بند ۱۴ فصل اول اعلامیه وین و برنامه عملی آن، فکری بحال مانع اجرای حقوق بشر یعنی فقر فرهنگی و مادی (تبعیض، انحصار طلبی، زیاده خواهی و امتیازهای طبقاتی) نگردد. سخن از حقوق بشر، افسانه‌ای بیش نیست و همه‌ی تضمین‌های قضایی عملاً منتفی خواهد بود. اجرای عدالت و حقوق بشر اراده‌ای را می‌خواهد که مجریان آن با ناقضان مدارا نکنند و در پی مطامع شخصی خود نباشند بطوری که مولا علی (ع) فرمود: فرمان خدای سبحان را برپا ندارد جز آن کس که (در حق و عدالت) مدارا نکند و خود را خوار نسازد و در پی طمع نرود.

(لازم بذکر است در بخش‌های پیش رو به اسناد حقوق بشری اصول رفتار با زندانیان و بازداشت شدگان پرداخته نشده است و این موضوع مهم مجالی دیگر را می‌طلبد.)

مهدی خوشروی

«تابستان ۱۳۹۶»